

# رویکرد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در اطلاع‌رسانی به نابینایان و کم‌بینایان

نسرین نگاهبان\*

## چکیده

مقاله حاضر با هدف اطلاع‌رسانی بیش‌تر و بهتر به نابینایان و کم‌بینایان در کشور ضمن مرور اجمالی بر مفاهیم اطلاع‌رسانی، کتابخانه و آرشیو به تشریح وظایف و اهداف کتابخانه‌ها و آرشیوها، ناظر بر اطلاع‌رسانی و توجه به نیاز مراجعان به کتابخانه از جمله نابینایان و کم‌بینایان پرداخته، آماری از بزرگی تعداد آنها و روند افزایش آنها در جهان ارائه داده، نقش دولت و مجامع بین‌المللی در تأمین حقوق اجتماعی و توانبخشی به آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد. در پایان اهمیت نقش سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و دو معاونت کتابخانه و اسناد به عنوان دو نهاد عمده ملی اطلاع‌رسانی در فراهم ساختن شرایطی مناسب برای بهره‌گیری نابینایان و کم‌بینایان از اطلاعات، ضرورت راه‌اندازی بخشی مشابه بخش نابینایان و معلولان کتابخانه ملی در معاونت اسناد (آرشیو ملی) و عواملی که در طراحی نظامهای اطلاع‌رسانی باید مد توجه قرار گیرند، مورد بحث قرار گرفته است.

## کلید واژه‌ها:

نابینایان / کم‌بینایان / کتابخانه‌ها / آرشیوها / کتابخانه‌های نابینایان / توانبخشی / حقوق فردی و اجتماعی / سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا. معاونت اسناد / سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا. معاونت کتابخانه / خدمات اطلاع‌رسانی. خدمات آرشیو

\*\*\*

## مقدمه

از زمانهای دور، همیشه اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل دستیابی انسان به ناشناخته‌ها بوده است. انسانها از دیرباز در تلاش مداوم و پیوسته اقدام به تولید، گردآوری، حفاظت و اشاعه اطلاعات کرده‌اند.

در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی (WISI)<sup>۱</sup>، کتابخانه‌ها و آرشیوها همواره نقشی انکارناپذیر برعهده داشته‌اند؛ نقشی که روزبه‌روز و با گسترش علوم در حیطه‌هایی چون فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)<sup>۲</sup>، به گونه‌ای محسوس تغییر یافته و پررنگ‌تر شده است.

در این میان، کتابخانه‌ها و آرشیوها نقش سنتی خود را به عنوان محافظ کتابها و اسناد و خدمات‌رسان محدود از دست داده‌اند و فناوری اطلاعات، خواه‌ناخواه این مشاغل را نیز دستخوش دگرگونی ساخته است. امروزه هدف کتابخانه‌ها و آرشیوها، پیشبرد و ارتقا بخشیدن به خدمات خود، همگام با افزایش مقدار اطلاعات کتابها و اسناد، تغییر در قالبهای آنها و توجه ویژه به گروههای خاص از جمله نابینایان و کم‌بینایان است.

## آشنائی با مفهوم اطلاع‌رسانی و برخی واژه‌های مرتبط

اطلاع‌رسانی، در نگرشی عام و کلی، به مفهوم تدارک اطلاعات مناسب، در زمان مناسب برای جوینده مناسب است.

«تکنولوژی اطلاعات، عبارت است از: مجموعه ابزارها، ماشینها و دانش و روش و مهارت استفاده از آنها در تولید، انتقال، جابه‌جائی، پردازش، آماده‌سازی و مصرف اطلاعات.»<sup>۳</sup>

باتوجه به تعاریف ارائه شده، چنین استنباط می‌شود که کتابخانه‌ها، آرشیوها و مراکز اسنادی، به عنوان سازمانهای فعال در زمینه اطلاع‌رسانی در کلیه کشورها

مطرح و مورد توجه هستند. حال، ابتدا به ارائه تعاریفی از این نهادها می‌پردازیم، آنگاه به بیان اهداف و وظایف آنها در نظام اطلاع‌رسانی و جایگاه اطلاع‌رسانی به نابینایان و کم‌بینایان در این میان خواهیم پرداخت.

## کتابخانه چیست؟

از کتابخانه، تعاریف متعددی به عمل آمده است که در اینجا به بیان یک نمونه از آنها بسنده می‌شود. «کتابخانه، نهادی اجتماعی است که با گردآوری، سازماندهی و نگهداری دانش مدون بشر، امکان رشد اندیشه، شکوفائی استعداد و باروری ذهن خلاق انسان پویا و جستجوگر را فراهم می‌کند.»<sup>۴</sup>

## آرشیو چیست؟

در مورد آرشیو نیز، همچون کتابخانه تعاریف فراوانی ارائه شده است. «در برخی موارد، به انواع مکاتبات سازمانهای دولتی یا خصوصی و اشخاص حقیقی یا حقوقی - که برای مدت زمان نسبتاً طولانی می‌توانند با ارزش باشند - آرشیو گفته می‌شود، و در مواردی دیگر، انواع مکانهایی که این‌گونه مواد یا مواد مشابه در آن نگهداری می‌شوند، آرشیو نامیده می‌شوند.»<sup>۵</sup> این تفاوت و گستره معنایی را، در تعاریف زیر هم می‌شود مشاهده کرد.

دائرةالمعارف کتابداری و علم اطلاع‌رسانی، آرشیو را این‌گونه تعریف کرده است:

«ضبط اسناد هر سازمان، چه عمومی و چه خصوصی که به خاطر ارزشش نگهداری می‌شود.»<sup>۶</sup> دائرةالمعارف کتابداری و دائرةالمعارف بریتانیکا نیز، تعاریف مشابهی در مورد این واژه ارائه کرده‌اند.<sup>۷</sup>

## وظایف و اهداف کتابخانه‌ها و آرشیوها در نظام اطلاع‌رسانی

زندگی در عصر انفجار اطلاعات، کتابخانه‌ها،

دنبال آن هستند، دستیابی به اطلاعات با بالاترین کیفیت می‌باشد. پس باتوجه به این نیاز، مراکز اطلاع‌رسانی، می‌باید به این مسئله توجه بایسته داشته باشند.<sup>۱۳</sup>

حال که از میان وظایف کتابخانه‌ها نقش اطلاع‌رسانی صحیح به مراجعان دانسته شد، نگاهی نیز به اهداف کتابخانه‌ها در این زمینه می‌اندازیم.

در شمار هدفهایی که مزینانی درباره کتابخانه‌ها برشمرده است، می‌توان جایگاه دسترسی به اطلاعات و نقش کتابخانه‌ها را در تحقق آن دریافت. وی، اهداف زیر را برای کتابخانه‌ها در نظر گرفته است:

۱. دسترس‌پذیر کردن اطلاعات مستتر در انواع منابع و رسانه‌های اطلاعاتی اعم از کتاب، نشریات ادواری، نسخه‌های خطی، کتابهای الکترونیکی و غیره؛

۲. شناخت و تعیین نیازها و تقاضاهای جامعه کاربر و جذب کاربران جدید؛

۳. تسریع در فرایندهای آموزشی و پژوهشی، با قرار دادن منابع و اطلاعات مورد نیاز در دسترس کاربران؛

۴. بهره‌گیری از آخرین فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی برای دسترس‌پذیر کردن اطلاعات ذخیره شده در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی؛

۵. ارائه خدمات و منابع مناسب و مورد نیاز، به ناتوانهای جسمی و ذهنی.<sup>۱۴</sup>

با جستجو و بررسی در منابع آرشیوی نیز، با اهداف و وظایف مشابهی درباره اهمیت دادن به مراجعان آرشیوها مواجه می‌شویم.

مایکل روپر، در وظایفی که برای آرشیوداران برشمرده است، آماده‌سازی اسناد را جهت بهره‌برداری مراجعان و پژوهشگران، مدنظر قرار داده است و معتقد است که شناخت کاربران و آسان‌سازی دسترسی به محتوای اطلاعاتی اسناد، از مهم‌ترین وظایف آرشیودار است.<sup>۱۵</sup>

آرشیوها و نظام اطلاع‌رسانی اثربخشی را می‌طلبند که همزمان و همگام با تولید روزافزون اطلاعات، فعالانه بتوانند اطلاعات را دسترس‌پذیر کنند. زیرا فرایند انتقال و تبادل اطلاعات به شکل صحیح و علمی آن، به توسعه کشورها کمک می‌کند.

هدف کتابخانه‌ها و آرشیوها، ذخیره‌سازی و گسترش دانش است و اختلاف آنها نه در نوع، بلکه در مراحل کارشان است. به بیان دیگر، هدف نهایی کتابخانه‌ها و آرشیوها در بستر جامعه اطلاعاتی، فراهم کردن وسایل دسترسی به هر نوع اطلاعات برای هر فردی و در هر زمان و مکان است.

چنان که مزینانی در مقدمه کتاب خود اذعان داشته است: «هدف اصلی از جمع‌آوری و مجموعه‌سازی، حفاظت فیزیکی و سپس سازماندهی این منابع در مکانی به نام کتابخانه، همانا اشاعه و توزیع اطلاعاتی است که در این مجموعه منابع موجود است.»<sup>۸</sup>

چه در کتابخانه‌ها و چه در آرشیوها، بهره‌برداران را به منزله هسته مرکزی و اصلی کلیه فعالیتها می‌نگرند و همه تلاشها در راستای برآوردن نیاز آنها طراحی و هدایت می‌شود.

رانگاناتان<sup>۹</sup> کتابدار، فیلسوف و ریاضیدان بزرگ هندی، درباره فلسفه ارائه خدمت به مردم و جامعه، «پنج قانون علم کتابداری» را تدوین کرده است که به عنوان مبانی فلسفه علمی کتابداری، همواره موردنظر کتابداران بوده است

مطالعه این اصول، نشانگر آن است که توجه به کاربران و نیازهای آنها، همواره در جایگاه اصلی مهم در کتابخانه‌ها موردنظر بوده است.

این امر، مختص به کتابخانه‌ها نیست بلکه شامل تمامی سازمانها و دستگاههایی می‌شود که در نظام اطلاع‌رسانی جایگاهی به خود اختصاص داده‌اند. به همین دلیل ویسمان<sup>۱۰</sup> گفته است: کاربران، مهم‌ترین عنصر در جریان اطلاعات هستند.<sup>۱۱</sup>

لنکستر<sup>۱۲</sup> نیز معتقد است، آنچه کاربران واقعاً به

دیانی نیز، پس از برشمردن وظایف گوناگون آرشیوها، معتقد است که هدف غائی مراکز آرشیوی، دسترس‌پذیرسازی مدارک آرشیوی برای همه کسانی است که یا بالقوه و یا بالفعل در تحقیقات خود به این دست مدارک نیاز دارند و یا محتوای این مدارک، می‌تواند بر کیفیت، سودمندی و روشننگری تحقیقات آنها بیفزاید.<sup>۱۶</sup>

مؤمن نیز، در برشمردن وظایف آرشیوداران، به دو وظیفه زیر اشاره دارد:

۱. کوشش جهت حفاظت و حراست از اسناد بالارزش تحت نظر؛

۲. آماده‌سازی آنها برای استفاده محققان تاریخ و دیگر پژوهشگران.<sup>۱۷</sup>

همچنین، اهداف یاد شده در ماده نخست قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران، مؤید آن است که یکی از هدفهای تأسیس سازمان نامبرده، اشاعه اطلاعات موجود در اسناد به عامه مردم بوده است.<sup>۱۸</sup>

آن‌گونه که دیدیم، توجه به مراجعان و کاربران کتابخانه‌ها و آرشیوها و نیازهای آنها، از مهم‌ترین مسائلی است که این قبیل دستگاهها ملزم به رعایت آن هستند. در همین زمینه، آنها باید به موضوعاتی چون: جامعه بهره‌بردار، تنوع خدمات (بهره‌گیری از روشهای نوین اطلاع‌رسانی در کنار روشهای سنتی)، بهبود کیفیت ارائه خدمات، بهبود برقراری ارتباط میان کتابدارها، آرشیودارها و مراجعان، توجه به انواع منابع اطلاعاتی (متنی، دیداری و شنیداری، الکترونیکی و چندرسانه‌ایها)، افزایش ساعت کار کتابخانه‌ها و آرشیوها و فراهم آوردن امکان خدمت‌دهی از طریق شبکه‌های رایانه‌ای و وبگاهها و توجه به نیازهای اطلاعاتی قشرهای خاص (از جمله معلولان)، بیندیشند.

به همین علت است که یکی از حوزه‌های مطالعاتی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، مطالعه

کاربران است که در سه بخش نیاز اطلاعاتی، رفتار اطلاع‌یابی و رضایت کاربران، انجام می‌شود.

مسلماً در بررسی نیازهای اطلاعاتی، شناخت انواع مراجعان و نحوه خدمت‌رسانی به آنها نیز ضروری می‌نماید. در این میان، اطلاع‌رسانی به نابینایان و کم‌بینایان، جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است.

قبل از ورود به مبحث نحوه اطلاع‌رسانی به این گروه، بهتر است تعریفی از این افراد عرضه کنیم. باتوجه به تعاریف بین‌المللی، نابینا کسی است که میزان دیدش کم‌تر از یک دهم، و نیمه‌بینا، کسی است که میزان دیدش بیش‌تر از یک دهم است و استفاده از وسایل کمکی همچون عینک، میزان دید او را حداکثر به سه دهم برساند.<sup>۱۹</sup>

نابینایان، به دو گروه نابینایان مطلق و نیمه‌بینایان تقسیم می‌شوند. نابینایان مطلق نیز، خود به دو گروه نابینایان مادرزادی و نابینایان اکتسابی دسته‌بندی می‌شوند. نابینایان مادرزادی، از بدو تولد و به علت مواردی چون ازدواجهای خویشاوندی، عوامل وراثتی و بیماریها و پیشامدهائی که در هنگام بارداری برای مادر رخ داده است، دچار این معلولیت شده‌اند. اما نابینایان اکتسابی، در سنین مختلف و بر اثر رخدادها و بیماریها بینائی خود را از دست داده‌اند.<sup>۲۰</sup>

آماري که در منابع مختلف از شمار نابینایان و کم‌بینایان در جهان و ایران منتشر شده است، متفاوت می‌باشد. اما می‌توان گفت براساس آمار ارائه کرده سازمان بهداشت جهانی (WHO)، در حال حاضر رقمی بین ۱۶۰ تا ۱۸۰ میلیون نفر در جهان از اختلالات بینائی رنج می‌برند.

همچنین برپایه آمار ارائه کرده این سازمان، ۴/۲ درصد جمعیت هر کشور، افراد دارای معلولیت‌های متوسط و خیلی شدید را دربرمی‌گیرد که ۱/۵ درصد آنها نابینایان هستند. بر همین اساس، پیش‌بینی می‌شود در ایران ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر معلول

داشته باشیم که از آن میان، ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر نابینا و کم‌بینا باشند.<sup>۲۱</sup>

افراد نابینا به علت داشتن تفاوت با افراد بینا، حتی اگر دارای انگیزه و توانایی بالایی باشند، به تنهایی و بدون حمایت دولت، به کم‌ترین خواسته‌های خود در جامعه دست نخواهند یافت.

در تأمین حقوق اجتماعی افراد نابینا و کم‌بینا، دست‌اندرکاران امر همواره با این پرسش مواجه بوده‌اند که مناسب‌ترین راه برای تأمین مطالبات اجتماعی این گروه توانجو چیست و چگونه می‌توان آنان را برای کسب استقلال در زندگی و پا نهادن به عرصهٔ تعاملات انسانی یاری کرد؟ در پاسخ به این پرسش اساسی، نظرات متفاوتی مطرح می‌شود.

گروهی برای اصلاح جامعه و تغییر نگرش یکایک مردم نسبت به افراد نابینا و باور توانمندیها و قابلیت‌های آنان، تأکید می‌ورزند. گروه دیگر مؤکداً بیان می‌دارند که حمایت از نابینایان، تنها تحت لوای قانون و اهرم‌های قدرت در جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. اما دسته‌ای دیگر، ضمن در نظر داشتن مقولهٔ قانون و اهمیت آگاه‌سازی جامعه، می‌کوشند تا اصلاح شیوه‌های مدیریتی را در امور نابینایان سرلوحهٔ کار خود قرار دهند.

پرواضح است که محدودیت‌های اجرایی سازمان‌های مزبور از سوئی و وسعت دایرهٔ مخاطبان از سوی دیگر، نابسندگی خدمات موجود را فراهم آورده است.

اگر این سازمان قدرت کافی می‌داشت و به اندازهٔ کافی حمایت می‌شد، می‌توانست با برقراری ارتباط با کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و ارائهٔ خدمات مشاوره‌ای، این نهادها را در انجام بهینهٔ وظایفشان در قبال نابینایان و کم‌بینایان و دیگر ناتوانان جسمی یاری رساند.

طبق قانون عصای سفید - که در سال ۱۹۲۱م. / ۱۳۰۰ش. به تصویب رسید - نابینایان حق استفاده از کلیهٔ امکانات رفاهی معمول در جامعه را دارند.

آنان حق دارند از پیاده‌راهها، خیابانها، بزرگراهها و وسایل حمل و نقل همگانی مانند هواپیما، قطار، اتوبوس، خودرو، کشتی، هتل، اماکن عمومی و مراکز تفریحی و مذهبی استفاده کنند. چنانچه گاهی محدودیتی برای برخورداری از این تسهیلات و اماکن وجود داشته باشد، باید همهٔ افراد جامعه را دربرگیرد و اگر شخص یا سازمانی، در استفاده از تسهیلات همگانی، تنها برای نابینایان محدودیت ایجاد کند یا حقوق نابینایان عاقل و بالغ را نادیده بگیرد، مجرم شناخته می‌شود.<sup>۲۲</sup>

همچنین، دولتها موظفند نابینایان را در امور دولتی مشارکت دهند و زمینهٔ اشتغال آنان را فراهم سازند. مسلماً این امر، نیازمند آن است که فرد نابینا بتواند در عرصهٔ اطلاع‌رسانی سهمی به خود اختصاص بدهد.

این موضوع، در مجامع بین‌المللی نیز مطرح می‌باشد و برای آن قواعدی در نظر گرفته شده است؛ از جمله در دی ۱۳۷۲ش. / ژانویهٔ ۱۹۹۴م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قواعد استانداردسازی امکانات را برای معلولان به تصویب رساند. بندهای پنجم و دهم «اصول استاندارد فراهم‌سازی امکانات برابر برای معلولان»، آشکارا دولتها را مسئول ارائهٔ خدمات اطلاع‌رسانی و دسترس‌پذیر کردن خدمات و منابع اطلاعاتی برای گروه‌های مختلف معلولان و از جمله نابینایان معرفی می‌کند.<sup>۲۳</sup>

مهم‌ترین اصل در ارائهٔ خدمات به نابینایان یعنی اصل «برابری دسترس‌پذیری»،<sup>۲۴</sup> در این دو بند بدین‌گونه بیان شده است:

«دولت، باید سیاست‌های مناسبی برای دسترس‌پذیر کردن خدمات و منابع اطلاعاتی برای گروه‌های مختلف معلولان داشته باشد. لازم است از حروف بریل، خدمات شنیداری، چاپهای درشت و تکنولوژیهای پیشرفته و مناسب دیگر در جهت دسترس‌پذیر کردن اطلاعات و منابع نوشتاری برای



افراد نابینا و کم‌بینا استفاده شود. دولت‌ها باید مشوق ایجاد و دسترس‌پذیرسازی نهادهای فرهنگی و خدماتی مانند تئاتر، موزه، سینما و کتابخانه برای معلولان باشند.<sup>۲۵</sup>

همچنین در اجلاس سران جامعه اطلاعاتی در ژنو (۲۰۰۳م. / ۱۳۸۱ش.) و تونس (۲۰۰۵م. / ۱۳۸۳ش.)، برای ایجاد دسترسی معلولان به اطلاعات و بهره‌مندی ایشان از آن، در اعلامیه و برنامه کاری، بندها و پیشنهادهایی درباره به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات برای نابینایان در تمام مراحل تحصیلی، آموزش و توسعه منابع انسانی، استفاده از مزایای اجتماعی، افزایش فرصت‌های شغلی و انتشار نرم‌افزارها به زبان بومی، مطرح شده است.<sup>۲۶</sup>

افزون بر مجامع بین‌المللی فوق، می‌توان از «نهضت عادی سازی»<sup>۲۷</sup> هم یاد کرد که از کشورهای اسکانديناوی آغاز شد. نهضت یاد شده، مبدع این نظر بود که امکانات شهری، اجتماعی و فرهنگی، باید به گونه‌ای طراحی شود که همگان بتوانند از آن بهره‌مند شوند.<sup>۲۸</sup>

رهنمودهای همایش ۱۹۷۴م. / ۱۳۵۲ش. پاریس نیز راجع به برنامه‌ریزی شالوده‌سندپردازی، کتابداری و اسناد ملی است. این شالوده، چارچوب نظامی را بیان می‌کند که در برگیرنده همه خدمات تهیه اطلاعات برای همه اقشار جامعه و گروه‌های مختلف کاربر است.<sup>۲۹</sup>

نظر به مشکلاتی که نابینایان با آن روبرو هستند بویژه مشکل جابه‌جایی و ناتوانی در پیمودن مسافت‌های بلند، در اغلب کشورهای جهان کوشیده‌اند با ارائه خدماتی از قبیل پست کردن کتابها و مجلات گویا یا بریل و بهره‌گیری از خدمات راه‌دور به کمک رایانه، این مشکل را تا اندازه‌ای برطرف سازند.

در ایران، محدود بودن کتابخانه‌ها و نبود آرشیوهای ویژه نابینایان در سطح کشور و بهره‌برداری محدود از فناوری اطلاعات، باعث شده است که

اکثر نابینایانی که از آمدوشد و جهت‌یابی و یافتن این مراکز ناتوان می‌باشند، از فضاهای مطالعاتی دور بمانند و انگیزه آنها در دستیابی به اطلاعات کاهش یابد. این خود، زنگ خطری است که در وهله نخست، می‌باید به گوش نهادهای اطلاع‌رسان ملی کشور برسد تا این نهادها، گام‌های بلندی برای حل این کاستی بردارند.

اختراع چاپ - که دستیابی به مواد نوشتاری را برای اکثر مردم فراهم کرد - موانع جدیدی در مسیر دستیابی نابینایان به اطلاعات فراهم ساخت. افرادی که از گرفتن کتاب و تورق و دیدن آن ناتوان بودند، از دنیای اطلاعات چاپی محروم شدند. اختراع بریل و دیگر ابزارهای خوانش لمسی، به نابینایان کمک‌های فراوانی کرد.<sup>۳۰</sup>

کتابخانه‌های ویژه نابینایان در دنیای کنونی، با مجهز شدن به رایانه، امکانات نوینی در دستیابی به اطلاعات برای نابینایان فراهم کردند. هنگامی که اطلاعات در قالب رقم در رایانه ذخیره می‌شود، می‌توان آن را به صورت‌های مختلف پردازش و بازیابی کرد. خوانندگان کم‌بینا، می‌توانند با استفاده از نرم‌افزارهای درشت کننده، متن روی صفحه نمایش را به راحتی بخوانند. ترکیب کننده‌های صدا نیز می‌توانند متون صفحه نمایش را برای نابینایان بخوانند و با جایگزین کردن ابزارهای مورد نیاز، حتی معلولان حرکتی نیز قادر به کار با رایانه و جستجوی متون مورد نیاز خود شده‌اند.<sup>۳۱</sup>

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، بی‌گمان با داشتن دو معاونت کتابخانه و اسناد (آرشیو ملی) یعنی دو نهاد عمده ملی اطلاع‌رسانی کشور، در فراهم ساختن شرایطی مناسب برای بهره‌گیری نابینایان و کم‌بینایان از فناوری اطلاعات، دارای نقشی حساس و انکارناپذیر می‌باشد. اهمیت این نقش، سازمان نامبرده را بر آن داشته است تا هرچند دیر، اما در اقدامی اصولی پس از بررسی مقدماتی،

۲. مواد (مانند ساختمان، تسهیلات، تجهیزات، اسناد و اطلاعات)؛
  ۳. نیروی انسانی (مانند کارکنان و کاربران سامانه)؛
  ۴. پول (مانند بودجه برای ساخت، راه‌اندازی و نگهداری سامانه)؛
  ۵. موقع (مانند زمان، مکان، محیط و آینده).<sup>۳۲</sup>
- حال با توجه به الگویی که موه‌ر سینق به ما ارائه داده است، می‌توان با راهبردی گام‌به‌گام، جهت رسیدن به هدف قدم به جلو نهاد.
- مرحله نخست، وضوح اهداف و مقاصد ما در راه‌اندازی این بخش است. می‌توان ضرورت و اهداف راه‌اندازی بخش اطلاع‌رسانی به نابینایان را در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، بدین‌گونه برشمرد:
- اعتقاد به حق سلب‌ناشدنی تمامی انسانها در دسترسی به اطلاعات؛
  - تأکید سازمانهای بین‌المللی بر اصل «برابری دسترسی» به اطلاعات برای تمامی انسانها؛
  - اعتقاد به اینکه معلولیت‌های جسمی هرگز نمی‌تواند بر قدرت روح آدمی در کسب معلومات و اطلاعات آسیب برساند؛
  - اعتقاد به اینکه نابینایان یا دیگر معلولان، تنها از یک یا چند توانش محرومند و این، به معنای انکار تمام توانائیهای آنها نمی‌باشد؛
  - ایجاد روحیه در نابینایان و کم‌بینایان، یا ارزش قائل شدن برای آنها و خواسته‌هایشان؛
  - گسترش فرهنگ ارتقای دانش در میان نابینایان و کم‌بینایان و رفع نیازهای اطلاعاتی آنها از اسناد.
- در مرحله دوم، ابتدا باید به ویژگی‌های بنگریم که لازم است در ساختمان آرشیو وجود داشته باشد و یا به وجود بیاید تا از آن پس بتوانیم پذیرای این قشر در مرکز خود باشیم.
- بنا به توصیه سازمان ملل متحد، بناها و فضاهای

دست به فعالیت‌هایی بزند تا در جایگاه نهادی ملی و رهنمون‌ساز، بتواند سرمشق و الگوی دیگر نهادهای اطلاع‌رسان کشور بویژه کتابخانه‌ها و مراکز اسنادی شود.

باتوجه به اهداف فوق، در سال ۱۳۸۲ ش. / ۲۰۰۴ م. در مدیریت اطلاع‌رسانی همگانی، بخشی به نام نابینایان و معلولان کتابخانه ملی راه‌اندازی شد که هدف از برقراری آن، ارائه خدمات به نابینایان و کم‌بینایان و تهیه مجموعه‌ای از منابع مطالعاتی و تحقیقاتی برای آنان بود. فراهم کردن سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای موردنیاز مطالعه و نیز گردآوری حدود ۸۰۰ عنوان از تولیدات گویا، از فعالیتهای بخش یاد شده در سالهای گذشته بوده است. با انتقال کتابخانه ملی به ساختمان جدید، برای این بخش نیز فضای مناسبی به مساحت تقریبی ۷۰۰ مترمربع با نام «تالار رودکی» اختصاص یافت.

در وبگاه سازمان، مجموعه‌سازی منابع گویا، رقمی و بریل، تحقیقات در زمینه قالبهای نوین اطلاعاتی، برنامه‌ریزی برای استانداردسازی کتابخانه‌های نابینایان در سطح کشور، حمایت معنوی و مادی از تولیدکنندگان، ایجاد محیطی مناسب و درخور نابینایان و کم‌بینایان برای پژوهش و مطالعه، برنامه‌ریزی جهت تشویق نابینایان و کم‌بینایان به انس با کتاب و کتابخوانی از هدفهای آینده این بخش اعلام شده است.

راه‌اندازی بخش خدمت‌رسانی به نابینایان، در معاونت کتابخانه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، گام نخستین بود که گام دومش مسلماً می‌باید راه‌اندازی بخشی مشابه در معاونت اسناد (آرشیو ملی) باشد.

موه‌ر سینق، معتقد است که در طراحی هر سامانه اطلاع‌رسانی، می‌باید به ۵ عامل مستقل توجه داشت. این ۵ عامل، عبارتند از:

۱. شعارها (مانند اهداف و مقاصد)؛

عمومی را باید به گونه‌ای طراحی کرد که معلولان و کسانی که از نارسائی بینائی رنج می‌برند، به علت معلولیت از بهره‌دهی آنها محروم نشوند.

چون آمدو شد نابینایان به آرشیو معمولاً دشوار است، می‌باید تمهیداتی پیش‌بینی شود تا در مواقع لزوم، امکان دسترسی این دست‌کاربران به ساختمان و قسمت‌های موردنیاز تسهیل گردد. جایگاه آرشیو باید به گونه‌ای باشد تا کاربر نابینا یا کم‌بینا، بتواند به راحتی و با وسایل نقلیه عمومی یا شخصی، خود را تا نزدیک آن برساند. مسیر ورود به آرشیو، باید فاقد پستی و بلندی و موانع این‌چنینی باشد و گذرگاه‌ها عابران پیاده با استفاده از بافت ویژه آسفالت یا سنگفرش، مشخص شود.

در ورودی اصلی، می‌باید مشخص باشد و به آسانی شناسائی و گشوده شود. ورودی ساختمان، حتماً باید هم سطح پیاده‌رو باشد و گرنه می‌باید ورودی ویژه با شیره‌ای که دو طرفش نرده‌کشی باشد، بدین منظور طراحی گردد.

نشانه‌ها، نمادها و نوشته‌های اطلاعاتی، باید کاملاً خوانا و برجسته باشد و از نوشته‌های تکمیلی به خط بریل نیز استفاده شود. همچنین، لازم است در ورودی، بخش امور مشترکان، بخش مربوط به استفاده نابینایان، دستشوییها و دیگر بخشهای مراجعه‌گاه با علائم و نشانه‌های مناسب، برای کاربران نابینا و کم‌بینا مشخص شود. این علائم را می‌باید در جاها و ارتفاع مناسب نصب کرد.

تابلوهای بیرون ساختمان - که معمولاً از سقف یا دیوار آویزان می‌شود - باید دست کم ۲۱۰ سانتیمتر از سطح زمین ارتفاع داشته باشد تا خطر برخورد و تصادم کاربران نارسابین با آنها پیش نیاید.

علائم و نشانه‌ها را باید بر سطوح نابراق قرار داد. زیرا سطوح براق، باعث بازتابش نور و کاهش خوانائی حروف برای کم‌بینایان می‌شود.

بهتر است برای رهنمون کردن نابینایان به

بخشهای مورد نیازشان، از سرامیکهای برجسته استفاده شود. بدین ترتیب، فرد نابینا کافی است برای پیمودن هر مسیر، با پای خود کف راهرو یا تالار را لمس کند. برای نمونه، این روش در اغلب مکانهای عمومی ژاپن به چشم می‌خورد.<sup>۳۳</sup> همچنین، در طراحی داخلی فضا، تقابل و تضاد رنگها و بافتها می‌باید رعایت شود تا افراد کم‌بینا موفق به دریافت اطلاعات و شناخت موقعیت و وضعیت محیط خود شوند.

آسانبر، می‌باید در نزدیک ورودی و مجهز به دکمه‌هایی با حروف بریل باشد. در و دیوارهای شیشه‌ای یا براق، باید با خط یا نوارهای رنگی که اندکی پائین‌تر از سطح چشم نصب می‌شود، مشخص گردند تا کم‌بینایان قادر به شناسائی آنها باشند. همچنین، بهتر است نقشه ساختمان با حروف درشت و به صورت برجسته تهیه شود و در بدو ورود، در اختیار کاربران کم‌بینا و نابینا قرار بگیرد.

پلکان موجود در ساختمان، باید با ابعاد و اندازه‌های مناسب طراحی شود. وجود نشانه‌های لمسی و حسی در کف، قبل از شروع راه‌پله برای هشدار به نابینایان حتماً لازم است. کف پله‌ها، از مواد و مصالح غیرلغزنده پوشیده و در هر دو سوی راه‌پله، نرده نصب شود. رنگ پاگرد پله‌ها، با رنگ بالا و پائین راه‌پله و کف، تفاوت و تقابل داشته باشد تا برای کم‌بینایان قابل تشخیص باشد.

همچنین، لازم است برای هر کاربر نابینا حداقل ۳ متر مربع فضای مطالعه در نظر گرفته شود و میز مطالعه آنها مجهز به دستگاههای مورد نیاز باشد. وسایل آرشیو هم باید برای آنها راحت و درخور استفاده باشد.<sup>۳۴</sup>

در قدم بعدی، باید به بررسی تجهیزات و یا ابزارهای مورد نیاز در راه‌اندازی این بخش پردازیم. در قسمت مربوط به تجهیزات، عمده‌ترین مشکل فراروی مراکز اطلاع‌رسانی، هزینه‌های



سنگینی است که تجهیزات یاد شده بر این سازمانها تحمیل می‌کند.

تجهیزات موردنیاز در بخش خدمات‌رسانی به نابینایان و کم‌بینایان، عبارت است از:

چند تا ذره‌بین برای استفاده کم‌بینایان؛  
نرم افزار «بهدید» به منظور بزرگنمایی متون (برای استفاده کم‌بینایان)؛

رایانه‌های مخصوص نابینایان مجهز به تخته‌کلید بریل؛

تهیه نرم‌افزارهای مخصوص تبدیل متن به خروجی گویا (TTS) مانند مجموعه نرم‌افزاری نوید و نرم‌افزار سورنا؛

نرم‌افزار Pac Jaws برای دسترسی نابینایان به ویندوز و صفحات وب و نیز تبدیل متون به خروجی بریل؛

چاپگر بریل؛  
دستگاه حرارتی و برجسته‌نگار سروش، به منظور چاپ نقشه‌ها، نشانها و تصاویر درخواستی کاربران نابینا و کم‌بینا؛  
ضبط صوت و دوگوشی (هدفون).

برای شروع به کار این بخش، بهتر است از ضروری‌ترین دستگاهها و به تعداد کم شروع و در حین اطلاع‌رسانی، با احساس نیاز به افزایش تجهیزات، نسبت به خرید آنها اقدام شود.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در معاونت کتابخانه خود در تالار رودکی، توانسته است برخی از ابزارهای اطلاع‌رسان به افراد کم‌بینا و نابینا را فراهم سازد و بدین ترتیب، خدمات این بخش در اختیار نابینایان قرار گرفته است.

در معاونت اسناد، برای اطلاع‌رسانی به این قشر خاص، با دو رویکرد اساسی مواجهیم:

۱. بازیابی اطلاعات؛

۲. ارائه تصویر اسناد.

در مورد بررسی اطلاعات مربوط به فهرست اسناد،

با مشکل ویژه‌ای مواجه نیستیم و با کمک وسایل تبدیل‌کننده، نرم‌افزار مناسب و تهیه بروندهای چاپی درشت، شنیداری و بریل فرد می‌تواند به بازیابی اطلاعات بپردازد.

پس از آنکه کاربر کم‌بینا یا نابینا فهرست اسناد را بررسی کرد، نوبت به رؤیت اصل اسناد می‌رسد. در این قسمت، برای افراد کم‌بینا ابزارهای بزرگنمایی متن<sup>۳۵</sup> پیشنهاد می‌شود.

اما در مورد افراد نابینا، باتوجه به آنکه اغلب اسناد دست‌نوشته است و نمی‌توان آنها را با ماشین خواند، باید از خدمات همدلی استفاده کرد.

مرحله دیگری که مورد تأمل است، ارائه تصویر اسناد می‌باشد. فرد پژوهشگر پس از بازیابی اطلاعات، ممکن است به تصاویر و یا برگه‌های حاوی اطلاعات اسناد جهت فعالیت پژوهشی خود نیاز داشته باشد. در این هنگام، یا متن موردنظر را باید برای فرد نابینا قرائت کند تا او با استفاده از تخته‌کلید بریل تایپ کند و اطلاعات به رایانه شخصی وی انتقال یابد و یا اینکه فرد همراه نابینا متن را تایپ کند. این متن را، نرم‌افزار مترجم به خط بریل تبدیل می‌کند و می‌توان آن را به کمک چاپگر بریل، چاپ و به کاغذ مخصوص بریل منتقل ساخت. همچنین، وجود دستگاه حرارتی و برجسته‌نگار سروش در بخش اطلاع‌رسانی نابینایان، می‌تواند ما را در چاپ برخی از تصاویر مانند نقشه‌های جغرافیائی و نشانها به صورت برجسته، یاری کند.

مسلم است که راه‌اندازی چنین بخشی باتوجه به هزینه‌های گزاف آن، زمانی مفید خواهد بود که به گروه کاربران خود معرفی شود. لذا انجام تبلیغات و اعلام آغاز به کار بخش اطلاع‌رسانی به نابینایان و کم‌بینایان، از دیگر مسائلی است که باید مورد توجه مسئولان قرار بگیرد.

برای دست یافتن به این مقصود، فعالیتهای زیر پیشنهاد می‌شود:

اعلام خبر از طریق سازمانها و نشریات مرتبط با خدمات رسانی به نابینایان و کم بینایان معرفی خدمات سازمان به مراکز خدمات رسان به نابینایان و کم بینایان ارائه دفترکها (بروشورها) و جزوه های راهنمای خدمات کتابخانه ای و آرشیوی و خبرنامه های سازمان در قالب بریل یا گویا. برگزاری نمایشگاه های موضوعی شامل انواع منابع جایگزین مانند: اسناد کپی شده در قطع بزرگ، اسناد و کتابهای گویا و نیز به نمایش گذاردن تجهیزات و نحوه کارکرد آنها در محل نمایشگاه. برگزاری مراسم در روزهای ویژه ای چون «روز عصای سفید»

دستیابی به اهداف خود، باید قوانین و سیاستهای خود را به منظور گنجاندن ناگفته هائی که در حال حاضر ضرورت وجودی آنها بر همگان مسلم است، بازنگری کند. مجموعه های خود را تقویت و روشهای دسترسی به منابع خود را برای همگان روزآمد سازد. همچنین، برای ایفای نقش محوری خود در اطلاع رسانی کشور به عنوان الگوئی ملی، می باید اطلاع رسانی به نابینایان و کم بینایان و دیگر معلولان را در برنامه های فوری خود و با ضرورت اجرای بالا قرار دهد و با فراهم سازی تجهیزات، نیروی انسانی کافی و متخصص و سایر ملزومات، وظایف محوله را در این زمینه به نحو نیکو به انجام رساند.

#### ◆ پی نوشتها

- 1- World Summit of Information Society.
- 2- Information & Communication Technology.
- ۳- عبدالحسین آذرنگ، *اطلاعات و ارتباطات* (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰)، ص ۱۱۰.
- ۴- نسرین دخت عمادخراسانی، *خدمات عمومی کتابخانه و روشهای آن* (تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۹)، ص ۷.
- ۵- محمدحسین دیانی، *مقدمه ای بر آرشیو* (مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۷)، ص ۳.
- 6- Rober H. Bahmer, "Archives", *Encyclopedia of library and Information Science*, (New york: Marcel Dekker, 1963), I, p 515.
- 7- "Archive", *Encyclopedia of Librarianship*, 1967, p 25 & "Archive", *Encyclopedia Britanica*, 1968, II, p 236.

#### برگزاری بازدید

عامل سومی که موهر سینق به آن اشاره کرده بود، نیروی انسانی است. کارکنان این بخش باید علاوه بر داشتن تخصص در اطلاع رسانی و نحوه بهره گیری از تجهیزات، افرادی علاقه مند و آشنا با نیازهای نابینایان و کم بینایان و نحوه خدمات رسانی به آنها باشند. موهر سینق، عامل چهارم را در طراحی نظامهای اطلاع رسان، پول می داند. لذا قبل از آغاز کار، می باید هزینه ها را برآورد کرد و هرگونه اقدامی جهت تأمین نیروی انسانی یا تجهیزات مورد نیاز، می باید با توجه به بودجه سازمان صورت پذیرد. درخصوص عامل پنجم نیز، در نظر گرفتن مکانی مناسب در ساختمان جهت راه اندازی این بخش، با توجه به محدودیتهای کاربران و نیز تعیین زمان مناسب برای بهره گیری آنان از امکانات این بخش، از جمله مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

#### نتیجه گیری

در نتیجه گیری کلی از مباحث مطرح شده، می توان گفت، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به منظور

<[http://aftab.ir/news/2008/oct/15/c4c1224076064\\_social\\_urban.php](http://aftab.ir/news/2008/oct/15/c4c1224076064_social_urban.php)>

۲۲- به نقل از وبگاه آفتاب در بیست و سوم مهر ۱۳۸۵.

<[www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)>

۲۳- بشارتی، پیشین، ص ۵۰.

24- Equality of Access.

۲۵- برای اطلاع بیش تر بنگرید به:

United Nations, The Standard Rules on The Equalization of Opportunities for Persons With Disabilities. New York, 1994.

26- [on line] <[www.Pactos.ir](http://www.Pactos.ir)>

27- Normalization Movement.

۲۸- امیررضا اصنافی [on line]

<<http://ilisa.blogfa.com/8502.aspx>>

۲۹- «پیش‌نویس برنامه کلان تدوین چشم‌انداز خدمات و وظایف سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران»، با مجریگری دانشگاه تربیت مدرس، نصرالله مقدم چرکری، با نظارت سیدعلی فیروزآبادی، (اسفند ۱۳۸۳)، ص ۶.

۳۰- نورمن کومبز، «بزرگراه‌های اطلاعاتی و نابینایان»، ترجمه تاج‌الملوک ارجمند، **فصلنامه کتاب**، دوره نهم، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۷)، ص ۱۰۶.

۳۱- همان، صص ۱۰۶-۱۰۷.

۳۲- موه‌ر سینق، **مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی (نظریه و عمل)**، ترجمه غلامرضا فدائی عراقی (تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۳)، ص ۴۷.

۳۳- به نقل از وبگاه آفتاب در ۱۳ دی ۱۳۸۵ <[www.aftab.com](http://www.aftab.com)> [on line]

۳۴- تعاونی، پیشین، صص ۶۴-۶۸.

35- Magnifier.

۸- علی مزینانی، **کتابخانه و کتابداری** (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، ص ۱۱.

9- Shiyali Ramamrita Ranganatan.

10- Herman M. Wiedman.

۱۱- هرمان ویسمان، **سیستمها، خدمات و مراکز اطلاع‌رسانی**، ترجمه جعفر مهرداد (شیراز: نوید، بی‌تا)، ص ۱۴۵.

12- Frederick Wilfrid Lancaster.

۱۳- «انتقاد لنکستر از دیدگاه‌های افراطی برخی از کتابداران درخصوص تکنولوژی و فراموشی نیازهای استفاده‌کنندگان»، ترجمه داریوش علیمحمدی، **پژوهشنامه اطلاع‌رسانی**، سال چهارم، شماره ۳، صص ۶-۷.

۱۴- مزینانی، پیشین، ص ۸۷.

۱۵- مایکل روپر، «خدمات آرشیوی، نقطه نظرهای یک آرشیویست حرفه‌ای»، به نقل از **نشریه ژانوس ۳-۱۹۹۲م**، ترجمه شهلا اشرف، مجموعه مقالات آرشیوی، جلد ۱، مقاله شماره ۲۹، تهران: روابط عمومی سازمان اسناد ملی ایران، ص ۲.

۱۶- دیانی، پیشین، صص ۱۶۴-۱۶۵.

۱۷- ابوالفتح مؤمن، «سازماندهی اسناد در آرشیو»، **نشریه زمانه**، شماره ۰۵ (پائیز ۱۳۸۵)، ص ۱۴.

۱۸- قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران، مصوب هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹.

۱۹- مینا بشارتی، «بررسی وضعیت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی نابینایان و نیمه‌بینایان مستقر در شهر تهران»، **فصلنامه کتاب**، دوره دهم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۷۸)، ص ۵۰.

۲۰- رضا آیتی [on line]

<<http://www.rezaayati.com/spip.php?article31>>

۲۱- علی اخوان بهبهانی [on line]

